



## اهداف و نتیجه؛ دلایل آنکارا برای عادی‌سازی روابط با تل‌آویو چه بود؟

عادی‌سازی روابط ترکیه با رژیم صهیونیستی در این زمان دلایلی داشت که مهم‌ترینش به رقابت انتخاباتی، نیاز آنکارا به متحدان جدید و تلاش دولت «اردوغان» برای کنش‌گری بین‌المللی بازمی‌گردد.

به گزارش آران نیوز به نقل از خبرگزاری فارس، سرانجام پس از تحلیل‌ها و ارزیابی‌های مختلف از سطوح و اهداف روابط آنکارا با تل‌آویو، بعدازظهر روز چهارشنبه (۱۷ آگوست) ترکیه و رژیم صهیونیستی عادی‌سازی کامل روابط خود را اعلام کردند. «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه و «یائیر لاپید» نخست‌وزیر پیشبرد امور کابینه رژیم صهیونیستی که به صورت تلفنی با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردند، از تصمیم‌شان مبنی بر بازگشت سفرای دو طرف خبر دادند.

آنکارا زمانی روابطش را با تل‌آویو عادی کرد که کابینه موقت لاپید نیاز مبرمی به دستاوردسازی و افزودن موفقیت‌ها در چارچوب معاهدات ابراهیم داشت؛ حالا نخست‌وزیر پیشبرد امور که با زمان در رقابت است تا بار دیگر بعد از انتخابات کنست [پارلمان رژیم صهیونیستی] به نخست‌وزیری برسد، از این بابت خوشحال است. وی در این باره می‌گوید: «از سرگیری روابط با ترکیه یک دارایی مهم برای ثبات منطقه و یک مژده اقتصادی بسیار مهم برای شهروندان ماست».

اما از جانب ترکیه به نظر نمی‌رسد که این عادی‌سازی بتواند کمک زیادی به موقعیت آنکارا کند. روز چهارشنبه، بعد از انتشار گزارش‌هایی از عادی‌سازی و بازگشت سفر، «مولود چاووش اوغلو» وزیر امور خارجه ترکیه این خبر را تأیید کرد و ضمن بیان اینکه دو طرف به زودی نام سفرا را اعلام خواهند کرد، اذعان کرد: «ترکیه به دفاع از حقوق ملت فلسطین ادامه خواهد داد».

این ادعا در راستای همان ادعای سازش کاران عربی قرار می‌گیرد که بعد از توافق نامه‌های عادی‌سازی، می‌گفتند این برقراری روابط با تل‌آویو به مسئله فلسطین کمک می‌کند و روند تشکیل دو دولت را سرعت می‌بخشد! حالا بعد از گذشت دو سال حتی راضی نشدند سالگرد امضای معاهدات ابراهیم را با تل‌آویو جشن بگیرند.

روابط بین ترکیه و رژیم صهیونیستی از ۱۲ سال قبل به دنبال حادثه برای کشتی «ماوی مرمره» دچار تنش شد؛ جایی که ارتش تل‌آویو در سال ۲۰۱۰ این ناوگان دریایی [ناوی مرمره] حامل کمک‌های بشردوستانه برای غزه تحت عنوان «ناوگان آزادی»، حمله کرد و ۱۰ سرنشین کشتی را به شهادت رساند.

حالا سوال اینجاست که ترکیه ی زمان اردوغان، بعد از گذشت ۱۲ سال از این رویداد، تحت چه شرایطی قرار گرفته و چه منافعی را مدنظر قرار می‌دهد که تصمیم به فراموشی گذشته و از سرگیری روابط با تل‌آویو گرفته است؟ پاسخ به این سوال را با پرداختن به چند محور در ادامه ذکر خواهیم کرد:

### نیاز آنکارا به متحدان جدید در منطقه

اگر به جایگاه امنیتی ترکیه در منطقه نگاه کنیم، می‌بینیم که میزان درگیری‌های نظامی آن از مناطق امنش بیشتر است. ترکیه علاوه بر تنش با یونان، مرزهای همسایگان خود سوریه و عراق را مورد تهدید قرار می‌دهد. آنچه ترکیه در این درگیری‌ها تحت عنوان «منطقه امن» یاد می‌کند، دایره‌ای بسته از ناامنی است. این محیط ناامن، آنکارا را بر آن وامی‌دارد تا به دنبال متحدان و طرفداران دیگری باشد تا در مقابل تهدیدات پیرامونی ایمن شود. برای ترکیه، سوریه و عراق کشورهایی در صف نظم امنیتی مطلوب ایران و مورد حمایت روسیه محسوب می‌شوند؛ حالا، آنکارا نه می‌تواند مستقیماً منافع و موجودیت دمشق و بغداد را تهدید کند و کار را به جنگ بکشاند و نه حتی می‌خواهد بدون هیچ دستاوردی، بعد از سال‌ها اشغالگری با شعار مبارزه با تروریسم، مناطق مرزی این کشورها را ترک کند.

بنابراین ترکیه با برقراری روابط با رژیم صهیونیستی و همینطور اعاده روابط دوستانه و نزدیک با کشورهای عربی، تلاش می‌کند تا آسیب‌پذیری و ناامنی خود را در نظم موجود منطقه کاهش دهد. اردوغان تقریباً از شش ماه گذشته، تلاش برای رفع تنش‌ها با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را آغاز کرده است. اردیبهشت ماه امسال بود که رئیس‌جمهور ترکیه ضمن اشاره به این نکته که آنکارا اشتراکات زیادی با عربستان سعودی و امارات عربی متحده دارد، تأکید کرده بود که کشورش از مرحله اختلافات با ابوظبی و ریاض عبور کرده است و این اختلافات را اختلافاتی خانوادگی توصیف کرد. به نظر نمی‌رسد که دغدغه امنیت جویی آنکارا عقلانی باشد؛ چرا که تکیه زدن بر دیوار ترک خورده تل‌آویو و ائتلاف عربی که هر کدام در جبهه‌ای با مقاومت درگیر هستند، کارآیی ندارد. تمام فلسفه وجودی تل‌آویو اشغالگری، بی‌ثباتی و جنگ است؛ ائتلاف عربی هم در حاضر به دنبال خاتمه دادن به درگیری‌های قبلی خود است. بنابراین نظام‌های بی‌ثبات و شکننده هیچ‌گاه برای ترکیه، امنیت در پی نخواهند داشت.

### انتخابات؛ کنش‌های بزرگ برای میدان‌هایی کوچک

هم‌اکنون که ترکیه وارد حال و هوای انتخاباتی شده، اردوغان از برنامه‌های و چشم‌اندازهای مختلفی برای مردم کشورش سخن می‌گوید. رقابت‌های انتخاباتی در حالی آغاز شده که حزب «عدالت و توسعه» اردوغان، بیست و یکمین سالگرد تاسیس خود را نیز جشن گرفته و هجده سال است که جایگاه مدیریت ترکیه را به احزاب رقیب واگذار نکرده است. رقبای اردوغان از مدت‌ها پیش، اعتراضات و انتقادات خود درباره راهبردهای سیاست خارجی دولت فعلی آنکارا را اعلام کرده‌اند. سیاست‌های دولت اردوغان در قبال رژیم صهیونیستی و حتی عربستان سعودی و یونان مقبول جبهه اپوزیسیون این کشور نبوده؛ چه سیاست‌هایی که در راستای تنش‌زدایی تبلیغ شده و چه آن‌هایی که با داعیه جنگ در پیش گرفته شده است.

ماه گذشته و در پی بالاگرفتن رقابت‌های انتخاباتی در ترکیه، «کمال قلیچدار اوغلو» رهبر حزب جمهوریخواه خلق که نامزد محتمل ریاست جمهوری آتی ترکیه است قول داد از

سیاست های اخیر آنکارا که به دنبال تنش زدایی با همسایگان منطقه ای است، عقب نشینی کند؛ وی تاکید کرد که در برخورد با تل آویو، عربستان و یونان «خطوط قرمز» وجود دارد. حالا اردوغان با گذر از این خطوط قرمز و بسط مناسبات با ریاض و تل آویو سعی دارد تا از رقبای خود در انتخابات پیشی بگیرد. عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی و تبادل سفیر با تل آویو، اثرات حقوقی بلندمدت برای ترکیه خواهد داشت و این عادی سازی بر همه دولت های آنکارا تحمیل خواهد شد. اردوغان برای برد یک میدان کوچک [انتخابات]، هزینه های بزرگ ملی بر دست ترکیه گذاشت.

### تبدیل شعارهای مداخله در امور جهانی با پرش های محدود

یکی از مهم ترین محورهای رقابت انتخاباتی دولت آنکارا و شخص اردوغان، کنش فعالانه ترکیه در بحران های جهانی بوده است. رئیس جمهور ترکیه هفته گذشته طی شرکت در مراسم افتتاح تعدادی از پروژه های خدماتی، گفته بود: «ما جایگاه ترکیه را از طریق روابط دیپلماتیکی که ایجاد کرده ایم، ارتقا دادیم. حالا ما به جای تماشای رویدادها از روی سکوها، به بحران ها ورود می کنیم و راه حل هایی را در خصوص آن ها توسعه می دهیم و می توانیم حتی طرف های متخاصم را گرد هم بیاوریم». مقصود اردوغان، تلاش برای مداخله و اثرگذاری در جنگ روسیه-اوکراین و بحران های ناشی از آن است که باید میزان موفقیتش در این راستا را هم به طور واقع بینانه سنجید؛ چرا که صحبت از اثرگذاری با میزان توانمندی های موثر تفاوت بسیاری دارد.

اردوغان از ابتدا، بحران اوکراین را به مثابه فرصتی می دید که به واسطه آن هم می توان در سطوح جهانی کنش گری کرد و هم خود را به غرب نزدیک تر کرد. به همین خاطر ماه هاست که تلاش برای گفت و گو بین مسکو-کی یف، انتقال کشتی های حامل غلات از بنادر اوکراین، ارسال پهپاد به کی یف و محکومیت اقدامات و مواضع روسیه را در دستور کار خود قرار داده است. تصمیم دولت آنکارا به عادی سازی روابط با تل آویو به قدری ناگهانی بود که برخی محاسبات را به هم ریخت. اردوغان در حالی این موضوع را با رژیم صهیونیستی نهایی کرد که در حال رایزنی با «ولودیمیر زلنسکی» رئیس جمهور اوکراین و «آنتونیو گوترش» دبیرکل سازمان ملل درباره جنگ با روسیه بود؛ برخی ناظران تحولات معتقدند که این موضوع، برنامه ریزی شده بوده و اردوغان سعی داشت تا بگوید در مدت محدودی، توان مدیریت چند رویداد بین المللی را با هم دارد. در حالی که در ابعاد کارشناسی، این مدیریت نبود؛ بلکه بستن پرونده ای مهم در شرایط نامناسب دیده شد.

### پذیرش تل آویو؛ شرط جای گیری در بلوک غرب

به همان اندازه که اردوغان سعی می کند تا محیط پیرامونی خود را با ائتلاف های شکننده به ساحل امنیت برساند، تلاش دارد تا رویای همیشگی ترکیه در ادغام با بلوک غرب و نزدیکی به اتحادیه اروپا را هم پیش ببرد. حالا بحران اوکراین، به مهم ترین نقطه همگرایی تل آویو و آنکارا تبدیل شده است و اردوغان سعی می کند تا پذیرش رژیم صهیونیستی و عادی کردن روابطش در سطوح سیاسی و اقتصادی، نزدیکی بیشتری با مواضع غرب ایجاد کند. ترکیه و رژیم صهیونیستی هر دو در موضوع حمایت قاطع و آشکار از اوکراین و محکومیت اقدامات روسیه، تقابل با مسکو را نشان داده اند و باید منتظر پرداخت هزینه باشند.

در اینجا باید گفت که زمانی مداخلات خارجی و نقش های بین المللی از سوی یک کشور در محیط جهانی نتیجه بخش خواهد بود که سطح کنشگری با میزان توانمندی های واقعی آن کشور هماهنگ باشد. ترکیه و رژیم صهیونیستی هر دو می توانند در یک جبهه علیه مسکو، سوریه و متحدان شان قرار بگیرند اما نخواهند توانست دستاوردها و نتایج مطلوبی کسب کنند. تل آویو، رژیمی بی ثبات تحت لوای آمریکاست که به دلایل اعتقادی-سیاسی در کنار اوکراین ایستاده و چاره ای جز حمایت ندارد؛ اما ترکیه کشور مستقلی است که برای امن ماندن نیازمند سیاست های متوازن دارد. بنابراین انتظار می رود این تشریک مساعی در بحران های غرب بعد از عادی سازی ترکیه با تل آویو، برای آنکارا هزینه در پی داشته باشد.